سال اول — شماره ۹۷

حقیقت

هفته پنج شماره طبع وتوزیع میگردد

رنجبر روی زمین اتحاد!

روزنامه ایست اجتماعی طرفدار رنجبران واتحادیه‌های کارگران

مدیر مسئول : س . م . دهکان

کلیه مکاتیب باید بعنوان اداره باشد

محل اداره

طهران خیابان صاحب‌اختیار کوچه غفاری نمره ۳

مورخه ٤ شنبه ۲٤ جوزا ۱۳۰۱ ۱٤ ژوئن - ۱۹۲۲

اعلانات : صفحه ۱ کلمه ده‌شاهی صفحه ۲ پنج‌شاهی

قیمت روزنامه

اعضای اتحادیه ماهیانه ۳ قران سالیانه سی قران

متوسطین « ٦ قران « ٦۰ قران

اشراف ششماهه ٦۰ قران یکساله ۱۰۰ قران

تك شماره ۴ شاهی

گیلان

عملیات وثوق السلطنه و توسعه هرج ومرج در گیلان ما را مجبور نمود که مقاله امروز را با آنجا اختصاص داده شاید بتوانیم با روشن نمودن مطالب خدمتی بآزادی‌خواهان واقعی آنجا نموده سوء تفاهمائی را که از عملیات و غارتگری سید جلال در مرکزیا در خود رشت تولید شده است تا اندازه مرتفع کنیم

گیلان از حیث جغرافیائی . و تجارت میتوان گفت بهترین نقاط ایران محسوب می شود . ارتباط نزدیك آنجا با روسیه مشاهده آزادی و انقلاب قفقاز تاثیرات عمیق در گیلانی ها نموده حاصل خیز بودن اراضی، آسانی تحصیل معاش و وجود کسب کار برای همه یك حالت روحیه صلح جویانه در اهالی آنجا تولید نموده است مسئله لوك طوایفی خان خانی وغیره نیز نسبت بسایر نقاط ایران در گیلان از بین رفته است .

گیلانی زارع است، کاسب است، تاجر است ومالك است . ایلات و قبایل مخصوص مسلح قابل اعتنائی ندارد .

درمیان این جنگلهای تاریك عوض وحشی ها مردمان خیلی ساده زحمتکش و صلح جو زندگانی می نمایند . با وجود اینکه برای دزدی و غارتگری زمینه مساعدتر است با آنکه چندنفر اهل محل در میان جنگل میتوانند با یك اردو بجنگند . باز هم آن غارت جیاول دزدی که در سایر ایالات حکمفرماست در آنجا اتفاق نمیافتد بلکه در اواخر پناهگاه مامن خلخالی کرمرودی حق اردبیلی و زنجانی شده و هزاران مهاجرین ولایات دیگر در سال قحطی در مواقع شلوغی با آنجا رفته خود را از چنگال اشرار خلاص کردند و از نعمت فراوان این سامان متنعم شدند

تحصیل کیسه و ماهی بایباز یا سیر برای کسی مشکل نیست همه میتوانند روزی چند ماهی صید کرده معیشت خود را تامین نمایند . همه میتوانند در گوشه جنگل بوستان درست نموده بمحصول آن زیست نمایند

این است که گیلان بهترین ، ومتمدن ترین و امنیت طلب و آسایش خواهترین ایالات ایران است . گیلان وطالش زراعت ابریشم و برنج خودرا دوست میدارد شب و روز فکر ، خیال ، ارزو وآمالش همان زراعت و حیوان داری است وبس .

گیلان سرپیچ نیست، نسبت بسایر ایالات بلکه بطهران (فاناتیك) نمیباشد . باوجوداینهمه عادات یك عادت خیلی غریبی دارند اینها از زور و فشار زود متاثر میشوند . درظاهر تسلیمند اما باطنا برفع آن سعی می‌کنند « باحرف کسیکه مردقانع نمیشود » مثل معروف است

بنابراین بیشتر از حرف زدن مایل بعمل و کار هستند . درازادی خواهی ووطن پرستی نیز از سایر شهرهای ایران جلو هستند . وقتیکه ایران آغوش خود رابرای انگلیس‌ها گشاده بود . وقتی که قشون تزاری را طهرانی ها بغل میگردند گیلانی آن زارع آن کسیکه مرد ساده اقلا بشکستن چرخهای عرابه چوب باسوراخ کردن وزین اتومبیل اظهار ضدیت مینمودند .

کیلامرد نسبت بملاك نیز همین طوراست او ظاهرا تسلیم مالك است اما باطنا دشمن جان وعدواوست .

* *

این ایالت که جزئی از اخلاق اهالی او را بیان نمودیم از شروع جنگ بین‌الملل یك نوع رنگ شدید مرکزیت ومحافظت باسیاست مرکزی را بخودگرفته است دولت وقشون اجانب مدت چند سال بود که در جنگلهای گیلان با آن مردمان آسایش طلب جنگیدند و دراین مدت بدفعات غالب ومغلوب شده ثبات وتمالت بخرج داده اند واسم جنگلی افکار عامه را بطوری بخود جلب نموده بود که حتی پیره زنها و اطفال کوچك از ایشان طرفداری می کردند موفقیت ایشانرا موفقیت خود دانسته نجات ایران را از آنها منتظر بودند

الان نیز در ایران کسی نیست که از قضیه گیلان و انقلابات پی در پی آن سامان بی خبر باشد .

جراید مرکزی انقلابیون گیلان را متجاسر می گفتند و مانند سایر عصیانهای غارتگری مانند سمیتکو وغیره تصور می کردند اما اساسا اینطور نیست بلکه در اول امر انقلاب گیلان و تاسیس جنگل برای اخراج قشون روس و انگلیس از ایران بود بمیرزای الهی قرار داد وپر انداختن وثوق الدوله و اخراج قشون انگلیس بود. همین نظریه انقلابیون گیلان را با روسیه متحد کرد . زیرا ایشان به آرزوی خود فقط با معاونت مادی و معنوی روسیه موفق می شدند . در آخر اگر چه خودشان محو شدند اما قسمتی از آرزو های خود را انجام دادند . کوچك خان و اکثر قائدین قضیه گیلان که در آخر مفتضح شدند در اوائل امر وقتی که شعار های ملی داشتند نه اینکه محبوب القلوب اهالی گیلان بلکه تمام ایران شده بودند . زنهای گیلان با شستن و دوختن لباس مجاهدین و حاضر نمودن خوراك وغذای ایشان افتخار میکردند

حس آزادی خواهی گیلانیها هر درخت جنگل را یك قلعه محکم هر کلبه پرزکری را یك مرکز قیام کرده بود گیلان چند سال برای همه مجاهدین لباس خوراك اسلحه مهمات تهیه نموده مردمانه جنگید . تا اینکه ظاهراً هم بوده باشد دست انگلیسها را از ایران خارج کرد و دورهٔ فطرت را خاتمهٔ داد . خود هم محو شد .

اغلب اینها کالان در کرسی پارلمان نشسته اند، انها کبا پول وسر انبزه انگلیسها وکیل شده اند نمیدانند اما تاریخ میگوید که گیلانی جوانان خود را فدا نمود از زندگانی خود دست کشید دارائی خود را داد تا که این پارلمان ، این مجلس چهارم افتتاح شد

* *

در این انقلابات در این مبارزه و کشمکش‌ها صدای توپها بمیارمان آیروپلان ها ، نطقهای آتشین انقلابیون ، فروت جراید ، بیانیه‌ها فقط نتیجه که برای گیلانی داد کله آزادی خواهی و چشم بینا بود گیلان دروقت انقلاب بیدار شد قوهٔ خود رااحساس کرد ، زور ملت را فهمید بفلسفه آزادی پی‌برده وعادت کرد . ضمنا ازواهمه جنگ از خوف و هراس دعوا بیرون آمد فرار کردن تیر انداختن جنگ نمودن پنهان شدن مقاتات و دوام را آموخت .

اما بعد از خاتمه یافتن شورش بعداز صلح کوچك خان و فرار سایرین گیلان کاملا بتحت تصرف قوای مرکزی آمد اما عادات و اخلاق آزادی طلبی در کلیه مردم باقی بود . بنابر این حکومت مرکزی را لازم وواجب بود که احساسات ایشان رابخوبی بفهمد و برای ساکت کردن و خاتمه دادن شورش ، برای جلب توجه وراضی کردن اهالی، بطورآزادی رفتار نماید مجاهدینی که از میرزا کوچك خان و عملیات فنگین او دلتنگ شده کناره کشیده بودند دلجوئی نموده بهرکاربیاورد اصول مشروطه و قانون راصراحات نمایند از آزادی اجتماعات آزادی کلام و مطبوعات جلوگیری نکنند عفو عمومی که داده بود عملی نماید تااینکه مات دوره انقلاب را فراموش کنند واین دوره را بان دوره ترجیح بدهد . زیرا گیلان آسایش طلب است وبا این وسیله فقط ممکن بود امنیت و آسایش اعاده شود

زیرا زمینه شورش هنوز هم مرتفع نشده است. حالا هم در گیلان خیلی ها از ارتجاع و اربابان ناراضی هستند منتها میرزا کوچك ایشان‌را بشخصیت پرستی بادیکتاتوری رنجانده بود ایشان هم برضد او کار میکردند نتیجه هم بامغلوبیت میرزا کوچك تمام شده اما این ناراضی بودن اوقات میرزا کوچك بود بعد از فوت او دولت اگر بقوریت ایشان را بطرف خود ؛ بازور یاکاباقانون یا زادی باجبرهائیکه آنها را راضی میکرد جلب می نمود ممکن بود که گیلان ساکت بنشیند و اهالی مشغول کسب وکار خود بشوند

اما زمامداران نا لایق این‌را احساس نکردند بعوض آن برخلاف قول خود رفتار کردند حکومت نظامی را سخت تر از جاهای دیگر نمودند .

بعوض والی آزادی خواه وجیه الملة که بتواند میرزا کوچك و سایر رؤسای انقلابی را از یاد اهالی ببرد وثوق‌السلطنه مرتجع انگلیس پرست‌را بدانجا فرستادند

وثوق السلطنه بادستور انگلیسها شروع بانتقام کشیدن از ملیون نمود . خوانین مملکت را بزیر پای خود انداخت علنا و رسما بر خلاف قانون اساسی اعلان نمود . زارع و دهاتی را از آزادی مهاجرت و کار محروم نمود طرفداری از ملاکین و مفت خور ها کرد کاندید اهالی انزلی آخوند زاده را که از ملیون امتحان داده بود با دستور انگلیسها به همدان ومزبرکه ازجوانان یك و آزادی خواهان واقعی بود بزنجان تبعید نمود دکتر ابوالقاسم خان که تقصیری بغیر از نشان دادن حرکات خلاف قانونی حکومت ومدافعه حقوق زارعین نداشت اول حبس بعد دید بمرکز و جراید تکلیف کرده دأرد پرده از روی کارها برداشته میشود، او را مفقود کردند ومعلوم نیست کجا است .

الان گیلان هزار مرتبه بدتر از دوره استبداد است دو نفر نمیتوانند در یکجا جمع بشود . هیچ کس حق ندارد کلمهٔ قانون بزبان بیاورد ، هیچ کس امی داند که فردا شب به‌خانه خود بر میگردد یا دچار قهر و غضب راپورت چی های وثوق السلطنه شده به محبس تاریك می رود. این تشدد و ارتجاع دو باره نفر اهالی گیلان وملیون را نسبت به حکومت مرکز توسعه میدهد مردم بغارتگری وشلوق سابق حسد می برند .

در همچو موقع سید جلال نیز در جنگل دستهٔ بدور خود جمع وبا دستور العمل انگلیسها علم عصیان را بلند کرده است الان در گیلان انگلیسها از یکطرف با دست وثوق السلطنه باعالی فشار میاورند از طرف دیگر سید جلال وناراضی هارا بانقلاب و شورش دعوت میکنند

عنقریب اگر از طرف دولت به گیلان توجه مخصوص نگردد وثوق السلطنه توکرو مستخدم انگلیسها از آنجا برداشته نشود سمیتکوی تازهٔ درگیلان بوجود میاید . این از سمیتکوی مدعش‌تر خواهدبود زیرا جنگلهای ایران بمراتب محکمتر از کوههای آذربایجان است . گیلان بمراتب نزدیکتر ازارومیه وخوی بطهران است .

انگلیسها به شورش گیلان از شورش سمیتکو زیاد تر علاقمند هستند برای اینکه در این کار دو منفعت دارند یکی اینست که موافق تصمیم‌خود برشورش میافزایند - تا آنجه که از دولت می خواهند زود بگیرند یا برای امنیت دوباره قشون بیاورند پلیس جنوب تشکیل بدهند نفع دوم اینکه عامه را ازروسیه رقیب خود ظنین نمایند وبشبهه بیندازند

درهرحال افق گیلان تاریك است ابرهای مرك در بالای سرزمین گیلان سایه‌اندازاست جنگل دوباره منتظر یك جنبش است . این را باید دولت از امروز بداند . چارهٔ آنهم فقط اجرای اصول آزادی در آن سامان است، علاج قطع مدافعه وپیش کشیدن آزادی خواهان گیلان و عوض کردن پاکه توقیف نمودن وتیر باران کردن وثوق السلطنه است

این را باید همه بدانند غیر از این چاره نیست : زورفایده ندارد سرنیزه پر توسعه آن میافزاید ما می دانیم انگلیسها از او مدافعه می کنند حق می خواهند

ستاره ایران

اوستادهٔ محترم ! من بشما فحش نداده وتهمت نزده بودم که توهین مثل سایرین فوری بمکتوب مرا از سفارت خانه ها بیرون آوردی و بخه دهکان بیچاره را کرفتی من یك حقیقت واضح که هم خودت وهم خوانندگان ستاره و حقیقت همه می دانند اظهار کردم که مسلك و هویت سیاسی شما معلوم نیست ! آیا این دروغ است ؟ آیا شما تصور میکنید خوانندگان تغییر گدریجی مندرجات ستاره را مخصوصا از ابتدای انتشار دوره اخیر حس نمی کنند ؟ خیر ! خوب می فهمند و در موقع مندرجات روزنامه ات را از نظر عامه می گذرانند .

انسان وقتی که جوان است وبا حرارت بیشترجلب توجه‌بیکران را می کند وهمینکه پیر شد نفوذش میرود . تو نیز همینطوری . یك روز دست چپ را اشغال‌کرده وطرف توجه آزادی خواهان و تند روان بودی اما امروز برعکس تنزل کردهٔ ! زیرا قدری به مقصود رسیدهٔ و حالیه موقع راحتی و نتیجه‌گرفتن است . تو دیگر آن جوان دیروزنیستی پیر ومعتدل شدهٔ و باتومندرجات روزنامه ات هم .

تو می نویسی که من تنزل نمی کنم ، اما خودت نمی فهمی که خیلی تنزل کردهٔ حرف تنها فایده ندارد .

آری توخیلی تنزل کردهٔ ! از وقتی که معتدل شدهٔ با اعتدالیون دیروزهم مسلك شدی، از وقتی که مدافع و طرفدار امثال سردار مؤید برادر صمدخان شجاع الدوله شق معروف شدی از وقتی که آزادی خواهان تندرو رفقای دیروزت تورا از میان خود راندند ، از وقتی که در پرده سید ضیاچی شدی ، در سورتیکه زیر اسم سید ضیاء کاه انگلیس پنهان است ، از آنوقت تو بمرور تنزل کردی و بعد هم خواهی کرد

اگر از ما باور نداری از اغلب دوستان قدیمت بپرس و توجه عامه را درگذشته وحال بچربده ات مقایسه نما تا بفهمی .

اما در موضوع امضای من البته از این نمره برای‌وابنمت و بت‌معبودت‌فرستاده می شود او این امضا را خیلی خواهد مرا خوب میشناسد و مایه حریف خودرابخوبی میداند . او خواهد فهمید من کیستم و مقصود من هم همان است .

م . ج

رزیش کنند . زمامداران ورئیس الوزراها هم از ترس ریاست خود نمی خواهند تکلیف انگلیس‌هارا ردکنند اما وظیفه ما روشن است وگفتن و برای آینده یاد داشت نمودن

ا . پرویز

تقاضای ما

آقای قوام‌السلطنه بار دیگر مقام مهم زمامداری را اشغال مینمایند : —

ما . مانند قلم های اجیر . ریاکار . مقلمق امروز لایقه عصر و یگانه دهرش نمی خوانیم و همینکه شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی نموده و امید استفاده قطع شد بذکر معایبش پردازیم

ما . مجبور نیستیم امروز او را پیر مارک سیاست . بالمرستون تدبیر . گلادستون تقریر . دلکاسه عزم . و نجات‌دهنده ایران معرفی کنیم و فردا قاموس های لغت را در برابر کشوده الفاظ رکیک و صفات ناپسندیده آن را بنام او استخراج نمائیم و برای اثبات عدم لیاقتش خود را بسه زحمت افندازیم .

ما . برای همیشه نسبت باشراف بد بین هستیم و پس از یک عمر تجربه و امتحان دیگر از قوام‌السلطنه های نوعی بهیچوجه منتظر کوچکترین اصلاحاتی نبوده و نمیتوانیم زیرا بعقیده ما مسئله اصلاحات با منافع اشراف مستقیما مخالف و اشراف در تحت تاثیر عواطف واحساسات طبقه مجبورند که تحکیم مواقع خود را بر هر گونه اصلاحی مقدم شمارند و تکاپوی آن ها برای اشغال مسند های وزارت و کرسی های وکالت فقط برای تعقیب و اجرای همین مقصد است و بس .

ما : هیچوقت متوقع نیستیم زمامدارانی که از این طبقه پروری کار می آیند دست های خیانت کارانه مشق اشراف و اشراف زادگان نالایق را که مانند زالو بجان دوایر عمومی افتاده مشغول بیغاری هستند از کار کوتاه نموده اشخاص جدی با اطلاع را که برای معاش بومیه معطل و حیات آنها در معرض خطر است و بیثاث و ودیع حقوق آنها قانع و برای کار کردن حاضر میباشند قائم مقام آنها نمایند .

ما . هیچگاه امی توانیم امید وار باشیم که برای توازن دخل و خرج و کوتاه شدن دست بخدی و استقراض از منافع نا مشروع خود و طبقه خود چشم پوشیده خط بطلان بر حقوق و مستمری های گزاف با گلبونهای مفت خوار و رژیمهای دعا گو که اعداد بزرگی را در بودجه اشغال نموده‌اند بکشند . یا اقلا هر روز بعناوین برای دوش های ناتوان پرزکران وکارگران که کمر انها در زیر بار سنگین این همه تحمیلات شکسته و فرسوده گردیده سرباری هائی برای امتیاز دهاکوبان تازه و اشرافزاده های جدید الولاده تهیه ننمایند .

ما . چگونه بتوانیم باور کنیم قتل و غارت ها . هتک و ناموس ها که در ظل سوء سیاست و خصوصیت های بیمورد همین طبقه ایجاد گشته و سر زمین ما را یک وپارچه آتش سوزان و امنیت را از عموم ترسلب نموده به دست همین طبقه مرتفع و اصلاح گردد .

ما . هیچوقت توسعه معارف و اجرای اصول تعلیمات اجباری و مجانی را از این طبقه انتظار نداریم زیرا پیداری کارگران و غارت زده گان بزرگترین دشمن این طبقه است .

بقراری که شایع است و میشنویم همان اشخاصی که دیروز استخوان پوسیده یک سرباز را بر کارگنان معارف ترجیح می دادند .

همان کسانیکه با سرمایه دروغ و پشار لاقانی مسند وزارت را اشغال نموده و نزدیک بود شیرازه مدارس را که باخون جگر تاسیس شده از هم متلاشی سازند .

همان کسانیکه کنده کاریهای انها درمعارف تا کنون رفع نشده وحقوق یک پرج مستخدمین مدارس فدای هوا پرستی وهوسهای انها گردیده باز در تک ودو افتاده اند که شاید مجدداً وزارت معارف را اشغال و این چند باب مدرسهٔ ناقص را هم قربان شهوت رانی وعدم لیاقت خود بنمایند .

ما باوجود اینکه یاس خود را از اصلاحات بدست این طبقه اقرار و اعتراف نمودیم معذلک نمیتوانیم ساکت بنشینیم به بینیم زمینه های غیر مستقیم برای اضمحلال معارف در کار تهیه شدن است ما بمعارف علاقه‌مندیم وتنها این راه را وسیله نجات وفلاح طبقه زحمتکش میدانیم اینست که در حال یاس هم از دست وپا زدن وتقلا وتلاش نمودن خود داری نمیکنیم وسعی داریم بانمام قواچکال های آهنین که اخرین فشار های سهمناک خود را می خواهد برکلاوی معارف وارد اورد دفع نمائیم .

بنابراین برای دفع بحران خطرناک معارف به آقای رئیس الوزراء دو ماده ذیل را قبلا پیشنهاد و اجرای ان را انتظار می کنیم :

۱ . انتخاب وزیری برای معارف که اقلا بقواعد ازانحلال مدارس پنهان کیخته جلو گیری نماید .

وزرائی که از چندی باینطرف این مسند را اشغال نموده اند علاوه براینکه علاقه لیست بمعارف نشان نداده اند عملیات انها پر پریشانی وتخریب معارف افزوده است

۲ . مدارس فعلی را معلمین بیچاره تاکنون بارهنگی و گرسنگی حفظ و از انحلالش جلو گیری کرده اند اکنون فقر وقاقه طاقت و توان را بکلی از انها ربوده اگر چاره فوری برای رفع استیصال انها نشود ادامه خدمت خیلی بعید و مشکل ودر نتیجه مدارس دستخوش انحلال میگردد .

ح . امید

خبرین مخصوص

رشت - ۱۶ جوزا

قونسول انگلیس دو مقرالیوز (شست تیر) در ۱۱ جوزا برای اشرار جنگل فرستادند دوروزدیگر هم برای دادن بعضی دستورات بشخصه به انزلی رفته (چون از طریق مرداب انزلی ارتباط با جنگل خیلی آسان است) وثوق السلطنه هم از این مطلب کاملا مسبوق است و عدهٔ از علماء و مطلعین شهر در اینموضوع اطلاع دارند و خاموش نشسته‌اند

بیچاره قزاقهای ایران که برای چه مقاصد ننگینی باید فدیه و قربانی شوند : البته با اینحال علت دوام یکماه قابل اشرار در جنگل و در زحمت افتادن اهالی بخوبی معلوم میشود

اخبار داخله

عواید مستغلات

عواید مالیات مستغلات را که قریب پنجماه بود در تحت نظر آقای سردار سپه بوزارت جنگ میپردازند حال نظر باوضاع حاضر بلدیه از طرف آقای سردار سپه مقرر گردید که آن عواید را خود بلدیه ضبط و بمصرف بلدی رساند

نمایندگان اذربایجان

در ظرف این دوروزه سه نفر نمایندگان آذربایجان به مرکز ورود خواهند نمود .

مجروح

روز یکشنبه گذشته یک نفر یهودی یک غرابه اسید سولفوریک (جوهر گوگرد) بحمالی میدهد که از نقطه به نقطه دیگر حمل نماید در بین راه غرابه شکسته تمام صورت وبدن حمال را سوزانده مجروح مینماید بقسمی که یک چشم او را کور نموده حال مزبور را بمریضخانه بلدی برده تحت معالجه است

زدو خورد باسارقین

در دو فرسخی سفاد آباده ۱۶ نفر سارقین بباده دو گله گوسفند سفاد را به سرقت میبرند بادارهٔ قشولی اطلاع رسیده سلطان امان‌الله خان باچند نفر نظامی سارقین را تعاقب کرده پس از زدو خورده دو نفر از سارقین مقتول و دو نفر مجروح شده گوسفند هارا استرداد مینمایند از نظامیان نیز یک نفر بایک راس اسب مجروح گردیده

وزارت عدلیه

روز گذشته مبلغ بیست هزار تومان به وزارت عدلیه پرداخته اند که گر دو برج میزان وعقرب سال گذشته اعضاء را بپردازند و اگر چیزی باقی ماند از بابت برج قوس اجزاء جزء تادیه نمایند

دستگیری سارق

بن حسب خبریکه از استراباد میدهند طرق در تحت محافظت سوار های امنیه — دهقره اموال مسروقه چند ماه قبل را سوار های تراکمه از سارقین گرفته وتسلیم حکومت نموده و بصاحبان اموال مسترد نموده‌اند

محمد حسین سر دسته اشرار تراکمه مدتی است درمیان تراکمه مسکون وراهنمای تراکمه بود دو روز قبل رئیس سوار جعفر بای او را دستگیر و تسلیم حکومت نموده‌اند و حکومت نیز بیکصد تومان انعام داده و اهالی اعدام محمد حسین را جدا از حکومت خواستار وحکومت نیز دو روزموعده اعدام او را داده است .

اجتماع طرفداران مولیتور

۲۲ جوزا مقارن ظهر در منزل میرزا قاسم خان داود مرادا — حیدر بینه دوز فراشباشی مجلس — پهلوی — وچند نفردیگر اجتماع نموده برای تهیه یک پروژه که روز گذشته اتراکش در ورقه قانون ظاهر شد

ادبیات

کنون که خائن و جانی بر او گناهی نیست — برای شحنه بجز دزدی هیچ راهی نیست
وکیل و قاضی و درباریان و شاه وزیر — برای عصمتشان شاهد و گواهی نیست
وکیل خائن و بی اعتبار نامه و دزد — عجب مدار که این ملکرا پناهی نیست
چه شد که این همه قربانی جوان غیور — برای عدل — دراین ملک داد خواهی نیست
شده است شاه پرستی شعار خائن و دزد — چرا که غیر شهنشاه انکه کاهی نیست
معارفی که در او نیست معرفت چه مجب — که بهر عارف دانشور من و چاهی نیست
چنانکه مینگری میرویم آگه باش — که منتهای چنین راه غیر چاهی نیست
اگر نه کارگر و پرزگر شوند یکی — برای سوق گیری — به از این سپاهی نیست
زیبکه هیئت دولت کله ربود زسر — بفرق ملت جاهل دگر کلاهی نیست
لفوز غیر بناموس خویش از خود ماست — محقق است در این نکته اشتباهی نیست

(باقر عراق)

تلگرافات بی سیم مسکو

مورخه ۱۲ ژوئن ۱۹۲۲

در هندوستان

کابل — در مجلس عمد کلکته ۱۷۰۰ محبوسین شورش مهمی برپا ساختند . علت شورش سوء رفتار مستحفظ مجلس بود که پروی یکی از محبوسین بجرم نافرمانی سیلی زده و در نتیجه آتش شورش را روشن ساخت . محبوسین به اولیای مجلس با سنگ و اجر حمله کرده و چند باب امکنه چوبی و انبار های نفط را آتش زده و سی گردند که از شدت دود استفاده کرده و مختفی شوند .

برای جلو گیری از شورش قشون و نظامیه احضار شد که بعداز چندین ساعت توانستند انتظامات مجلس را مستقر سازند . درنتیجه این مصادمات هفت نفر از محبوسین مقتول و چندین نفر از محبوسین وهمچنین متصدیان امور مجلس مجروح شدند .

سفارت عثمانی درخارکف

امروز سفارت فوق‌العاده مجلس عالی عثمانی برای مبادله قرارداد وارد خارکف گردید با کولف قائم مقام رئیس کمیسر های اوکراینا و سایر نمایندگان اوکراینا در کار ماشین از واردین پیشواز کردند

رفیق یاکولف نطق تهنیت آمیزی ایراد کرده و اظهار داشت که ملت رنجبر اوکراینا به یک مشرف و شعف سر شاری سفارت مجلس ملی عالی عثمانی را استقبال میکنند قرار داد منعقده رشته های مودت و اخوت را مستحکم ساخت . رشته اخوت دو ملت ستمدیده که در نتیجه جنگ فدا کارانه بنای امپریالیزم را سر نگون ساخته واکنون داخل درمرحله احیای اقتصادی خود شده اند هرگز پاره نخواهد شد .

رفیق یاکولف در خاتمه نطقش اظهار نمود ، ملت او کراینا باعواطف مهمان نوازی درهای خود را بروی نمایندگان عالی مجلس ملی عثمانی باز میکند .

رضانوری بیک درجواب نطق یاکولف چنین بیان نمود : از مشاهده مراتب مسرت و شعفیکه از توقف دو میان ملت برادر مشاهده میکنیم بسی خوشوقت و سعادتمند هستیم ملت آزاد ترک هم مثل شما سعی دارد میانی مناسبات برادرانه را بین اوکراینا و عثمانی مستحکم ساخته و دائره روابط اقتصادی و سیاسی را بین مملکتین توسعه دهد .

پس ازخاتمه بیانات نهایت اعزاز قراولان افتخاری در مقابل دفیله داده و درموقعیکه مارش تشریفات سروده میشد و فریاد های هورا و زنده باد مجلس ملی عثمانی و زنده باد اتحاد برادری عثمانی ازاد واوکراینا وزنده باد ملت رنجبر ترک ازهر طرف شنیده میشد

در نزدیکی کار ماشین عده از اهالی سفارت را پیشواز نمود

سفارت عثمانی به خاله مخصوصی که برای وی تعیین شده بود و اردو در انجامجلس ضیافت رسمی منعقد گردید

تفتیش کشتی

در اوم ژوئن کشتی جنگی روسی حامل مال التجاره که از سواستو پول بطرف اناطولی حرکت کرده بود در ناحیه اینبولی با زره پوشی یونان موسوم به اوروف مصادف شده و از طرف یونانیها توقیف گردید. لیکن ذره پوش یونانی پس از خاتمه تفتیش کشتی روسی راسرخص نمود مشروط باینکه داخل بنادر اناطولی نگردد

بازار مکاره نیژ کوروه

بواسطه تشکیل بازار مکاره نیژ کوروه که در بنادر بحر خزر و روس رونق مهمی ظاهر شده و برای حمل مال التجاره بقدر کافی کشتی تهیه شده است . از طرف شرکت های مهم مقدار معتنابهی مال التجاره از قبیل قماش و شیشه و آهن وقند و سائر امتعه برای بازار مکاره تهیه شده است .

از طرف دولت سوئیل اقدامائی به عمل آمده است که تجار ایرانی از امانه مال التجاره خودرا بیازار مکاره حمل کرده وهمچنین امتعه ایرا که دربازار مکاره خریداری مینمایند حمل کنند

برای تسهیل تجارت اداره وتشورک عهده دار میشود که برطبق اصول کمپرسیونی امتعه ایرانرا به بازار مکاره وبر عکس حمل کنند .

ضمناً از طرف وتشورک تصدیقنامه به تجار داده میشود مشعر بر اینکه اموال تجار مزبور به بازار مکاره ارسال میگردد

کمیساریات ملی امور خارجه دولت روس تعلیمات متحد المال به عنوان قنسل روس ارسال داشته است که به تجار ایرانی که بطرف بازار مکاره عازم میشوند بدون مماطلت ویزا (جواز) داده شود

از قنسل روس تصدیقنامه نیز به تجار ایرانی داده خواهد شد مشعر براینکه در مراجعت بایران موانعی نخواهند داشت.

مطبعه مدرن